



بیست و دو بهمن نقطه عطفی در اندیشه براندازی رژیم جنایتکار اسلامی

قیام سال ۵۷ هرچند منجر به سرنگونی رژیم شاه گردید ولی آزادی و دموکراسی را در ایران نتوانست به مستقر کند

نخست اینکه آنچه مسلم است بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شاه رسماً از شرکای کوتاچی ۲۸ مرداد علیه دکتر محمد مصدق میخواهد تا مستقیماً در سیاست گذاری و سیاست دخالت مستقیم نمایند. دستگاه شاه و رژیم او نه تنها قشر فاسد روحانی را در قدرت سهیم میکند بلکه امکانات اقتصادی را در اختیار آنها میگذارد. منبرها مساجد دیگر بار فعال و روحانیت فاسد شیعه با جاه طلبی های عذیده ای در پوشش حمایت همه جانبه نهادهای دولتی به توسعه نفوذ خود در همه ابعاد اجتماعی جولانگاه را آزاد میبیند. ترور مخالفان دستگاه عریض و طویل اسلامیت ها، تبلیغات علیه بهانی ها و دیگر ادیان در دستور کار همیشگی دستگاه های تروریستی اسلامیت ها در ایران قرار میگیرد. احزاب در ایران در چنین شرایطی ممنوع و هیچ نیروی تشکیلاتی که بتواند اعتراض علنی کند در ایران نمیتواند فعال باشد. نیروهای روشنفکری به خانه های خود میخزند و از ترس ارباب دستگاه پلیس توان نقد سیاسی و اجتماعی خود را سرپوش می نهاند. ارباب در افکار نسلی از روشنفکران اندیشیدن را سانسور میکند. شکنجه و زندان منتقدین در راه هر نوع مقابله را جرعت را میریاید. در چنین شرایط است که بخشی از طیف بظاهر روشنفکران ایران از سال ۴۲ نیروی معترض خود را در چهره عنصری عقب مانده و متحجر میبینند. خمینی در سال ۴۲ به یک عنصر بظاهر مخالف شاه پرچم ارتجاعی ضد رژیم شاه را به دست میگیرد. عوامل سر سپرده قدرت های استعمار به ویژه باند های وابسته به روسیه شوروی با او متحد میشوند. افکار ارتجاعی و قرون حجری این عنصر عقب مانده را نادیده میگیرند. عنصری که حقوق زنان و آزادی آنها را نادیده میگیرد و با آن مخالفت میورزد و در مقابل اصلاحات ارزی شاه مقاومت میکند. هرچند که اصلاحات ارضی شاه بی نقص نبود ولی عناد باند اسلامیت های جنایتکار با هر نوع نو آوری در کشور نمایان بود.

اینکه جامعه ما از هر نوع نو آوری و تجدد بدور ماند، علل آن تنها در وجود نیروهای اسلامی خلاصه نمیشود، به اصطلاح روشنفکران خود اکثر پدیده ای از عقب ماندگی جامعه بوده و هستند. بخشی از این طیف، دینی و خرافی بودند و هیچ مرزبندی با اسلام فاشیستی و ضد بشری نداشتند. از حداقل های شعور جمعی جوامع پیشرفته بشری بری بودند نه اعتقادی به لانیسیته داشتند و نه دیدی به سکولاریسم. بیشتر نیروی خود را در اختیار جریانها ارتجاعی اسلامی میگذاشتند، هیچ نقدی به نیروهای ارتجاعی اسلامی نه تنها نداشتند بلکه در مورد آنها گزاره گونی های متملقانه میکردند. صفوف ارتجاع را در جامعه آنچنان پاشیده و پراکنده بودند، که هرگز به وجود یک جریان جنایتکار که میتواند ایران را به جهنم اسلامی تبدیل کند را، نه به آن می اندیشیدند و نه اینکه خطرات احتمالی را از طرف فاشیست های اسلامی، جدی میگرفتند. هر چند که از قتل های جنایتکارانه اسلامیت ها در

مورد روشنفکران در تاریخ ایران مطلع بودند، که چه گونه تروریست های اسلامی روشنفکران ایران را با ترور های خود هدف قرار میدادند.

فراموش نباید کرد که احزابی که خود را ملی میدانستند، خود با عناصر ارتجاعی اسلامی در ارتباط مستقیم و برای آنها برای گرفتن قدرت بستر سازی میکردند. در خارج از کشور عوامل این جریان ها در کنگره های کنفدراسیون جهانی هم، همیشه در هر کنگره ها، برای جنایتکار خمینی پیام میفرستادند. نه روشنفکرهای درون ایران و نه برون مرز با عامل ارتجاعی و باند های فاشیستی اسلامی به سرکردگی خمینی و بازرگان ها هیچ مرزبندی شفاف نداشتند.

نیروهای متوهم چپ و روشنفکری هر گز برای تغییرات به عوامل ذهنی و عینی جامعه نمی اندیشیدند. بخشی از این عناصر عقب مانده به دنبال گاه مسکو و دیگری پکن و جمعی هم دنبال تیرانا بودند ولی از فکر به ایران و خطرات احتمالی که کشور ما را تهدید میکرد غافل ماندند.

آنها فاقد هر نوع بر آورد و توانائی منتقی از ذهنیت توده های عقب مانده و روستائیان کوچ کرده به شهرهای بزرگ بودند.

این جماعت فقط به صرف اینکه شاه را باید سرنگون کرد هم صدای مرتجعترین و فاسد ترین طیف های عقب مانده کشور شدند. جالب اینکه بخشی از این عقب مانده های حراف بدون مرز بندی، در وصف مقام خمینی و اسلام یاوه گویی های بسیار اغراق آمیزی کردند و حال میکوشند، آموزگار سکولاریسم و دمکراسی در صفوف اپوزیسیون باشند.

حتی امروز هستند کسانی که بدون احساس مسئولیت به جامعه ایران کنونی، ترجیح میدهند رژیم تبهکار و جنایت پیشه بر قدرت بماند ولی در ایران تغییراتی به وجود نیاید؛ از بیم آن که رژیم گذشته دیگر بار با چهره دیگر بر قدرت برگردد. این افراد هر چند در گذشته فعالان سیاسی بودند، خود را در مقابل مردم ایران مسئول نمی دیدند، ولی میکوشند "دنیای بهتری" را برای ما با قلمشان ترسیم کنند. به ما بیاموزند که کدامین راه کار ها برای خوشبخت شدن مردم کشورمان بهتر است.

فراموش نباید کرد که اکنون هم تعداد از این قماش، به پیکره اپوزیسیون ضد رژیمی خود را آویزان کرده اند. آنها برای حفظ رژیم و حفظ منافع اقتصادی خود و خانواده و به ویژه مؤسسات تجاری خود و برادران با تنوریزه کردن جنایات رژیم حاکم و توجیهه انبانی از تبهکاری های حکومت کنونی همگام با تزویر و ریا را، بکار میگیرند، تا که رژیم را دلگرم و منافع آنها در ایران حفظ شود.

با این جریان های ستون پنجم رژیم چه باید کرد و چگونه خط فاصل را باید نیروهای برانداز با در نظر گرفتن دریائی از پلیدی ها، از جنایات رژیم و همکاران پنهان و آشکار آن به پیش برند:

رژیم حاکم باید برانداخته شود چون که هیچگونه ظرفیت اصلاحات نداشته و ندارد. بعد از براندازی کلیت رژیم اسلامی است که، با تأسیس مجلس مؤنسان، لائسیته به یک اصل محوری و اختیارات استانی به اصل دیگری تبدیل خواهد گردید.

چرا براندازی؟: براندازی رژیم حاکم فاشیستی اسلامی در تمامیت و کلیت آن اجتناب ناپذیر و به اعتقاد ما باید صورت گیرد:

نگاهی به کارنامه ۳۴ سال رژیم با مشخصات زیر گزینه دیگری برای نیروهای مخالف رژیم ملی و میهنی

نمیگذارد جز بر چیدن بساط رژیمی خون خوار با ایدولوژیک فاشیستی اسلامی.

— همسان سازی استبدادی تمامیت خواه اسلامی با ویژگی های:

—: آتش زدن سینما رکس و به هلاکت رساندن و سوزاندن بیش از ۴۰۰ نفر از هم میهنان ما به دستور و دست عوامل اسلامی .

—: تباری و برنامه ریزی و عدم پیشگیری از جنگ و ادامه جنگ ۸ ساله و بکشتن دادن جوانان ایران در جبهه های جنگ و میلیارد ها دلار خسارات جنگی به ایران، با هدف فتح بغداد و قدس..

—: قتل های سیستماتیک سال های ۶۰ و ۶۷ از زندانیان سیاسی و عقیدتی

— : سرکوب زنان و محرومیت آنان از حق مداخله و تصمیم گیری در سرنوشت خود از طریق تحمیل انواع قوانین شرعی بدوی تبعیض آمیز و اکنون با قانونی دیگر از مسافرت زنان پانین ۴۰ سال بدون موافقت مردی از خانواده ممنوع گردیده است .در بخش دانشگاهی تقسیم های جنسیتی و محرم کردن ۵۰٪ از رشته های تحصیلی برای زنان دانشجو در دانشگاه های ایران .

— : سرکوب قوم های ایرانی ،و مخالفت با حفظ فرهنگ و آداب و رسوم و زبان و فرهنگ آنها و تحمیل جنگ و کشتار به آنها .

— : مبارزه با هر نوع آزادی خواهی و حق داشتن تشکل و سازمان مستقل با دستاویزهایی چون لیبرال، ملی، ملی - مذهبی، منافق، مرتد، باغی، بهایی، غیر خودی، جریان انحرافی، ساختار شکن، جریان فتنه، وابسته به بیگانه و جاسوس اسرائیل و امریکا.

— : مبارزه با جامعه ی مدنی با نادیده گرفتن حق شهروندی و حقوق مدنی و سیاسی متعارف یک جامعه لائیک و پایبند به حقوق بشر و میثاق های بین المللی.

— : سرکوب روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران، کارگردانان و هنرمندان سینما و تئاتر و دگر اندیشان به اتهام واهی « مبلغین فرهنگ منحط غرب ». قتل و بلاک نویسان و نویسندگان ایرانی و دیگر منتقدین در دیگر کشورهای جهان .

— : سرکوب کارگران ،ارباب و تعقیب، زندان و شکنجه آنها در سیاه چالهای رژیم . جلوگیری از فعالیت های تشکلات کارگری و سندیکائی و ایجاد نهادهای کارگری

و دیگر تشکلات اجتماعی و سندیکائی برای مشاغل دیگر مثل اتحادیه صنفی آموزگاران در سرتاسر ایران. .

— : تجاوز،شکنجه و قتل سیستماتیک زندانیان سیاسی و نادیده گرفتن حتی قوانین ارتجاعی خود در مورد زندانیان

— : به گروگان گرفتن خانواده های زندانیان سیاسی برای به زیر فشار بردن اسرای زندانی در سیاه چال های رژیم .

ایجاد فشار به همسران زندانیان سیاسی برای متارکه و یا طلاق از همسران خود با هدف فروپاشی کانون خانواده ها زندانیان سیاسی و مخالفین رژیم ..

— :قتل کودکان ،سنگسار زنان و مردان ،تعقیب و ارباب پیروان ادیان در ایران به ویژه بهائیان، مسیحی ها زردشتیان ، کلیمی ها ، دراویش و دیگر شهر وندان ایرانی و غیره... ..

— : مصادره اموال شهروندان ایرانی و هستی مخالفان رژیم توسط دستگاه فاسد قضائی رژیم و فروش املاک مردم به نفع قدرت حاکمه و از هستی ساقط کردن خانواده ها از خانه و کاشانه شان .این امر جنایتکارانه راهزنان اسلامی در رژیم به یک قاعده تبدیل شده است .این عمل چون قتل های حکومتی جرمی بیش نیست. .

— : گسترش تروریسم دولتی در داخل و خارج و کشتار صدها نیروی اپوزیسیون دگراندیش و آزادیخواه.

— : سردادن شعار های عوام فریبانه علیه اسرائیل و آمریکا بعنوان مبارزه ضد امپریالیستی به هدف فرا افکنی و سرپوش گذاشتن بر بحران های سیاسی و اقتصادی کشور و تداوم جو خفقان و سرکوب..

— : باز گذاشتن در و دروازه به روی کالاهای خارجی و در اثر آن نابودی اغلب تولیدات صنایع داخلی که فلاکت، خانه خرابی و بیکاری میلیون ها کارگر و زحمتکش را در پی داشته است. نابودی صنعت کشاورزی از برنجکاران تا چای کاران و کشاورزانی که در تولید گندم سهم چشمگیری داشتند و بخشی از نیازهای ایران را پاسخگو بودند و ایجاد فقر معیشتی در طیف کشاورزان ایران. تخریب طلاها و یا مهار کردن آب رودخانه ها به مجراهای دیگری که محیط زیست و دریاچه های ایران را چون دریاچه ارومیه را تخریب و صد ها هزار نفر را در پیرامون آن که در کشاورزی اشتغال دارند را بیکار و به کوچ نشینی اجبار کرده است .

— : اجرای بی چون و چرای دستورات بانک جهانی و دیگر نهادهای بین المللی که به بیکاری گسترده و فقر مطلق اکثریت کارگران و مزد و حقوق بگیران کشور منتهی شده است.

— : به تاراج بردن میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی به حسابهای شخصی و تاراج ذخایر نفتی و گاز ایران توسط مافیای نفتی و گاز ، وابسته به رژیم اسلامی حاکم..

تاراج و نابودی درآمدها و منابع مالی کشور چه از طریق دزدی های کلان، چه از طریق کمک به کشورهای و گروه های اسلام گرای مرتجع و تروریست در سطح منطقه و جهان. پراخت میلیاردها دلار به رژیم اسد در سوریه و حال قول کمک های مالی به رژیم جنایتکار مرسى برای سرکوب نیروهای غیر اسلامی و مخالفین باند اسلامیت های اخوان المسلمین . این در حالی است که تروریست های اسلامیت حاکم در مصر علنا سخن از خلیج غیر پارس به میان آورده اند . آن کسانی که در کشور های عربی از خلیج عرعر به یاوه گویی میپردازند را رژیم جنایت پیشه اسلامی ضد ایرانی ، با دادن میلیاردها اعتباری مالی ، که سخن از آن است ، مشوق میدهد..

— : طرح مقوله « امت اسلامی » با هدف نابودی مظاهر متنوع فرهنگ ایرانی ، میهن دوستی و هویت فرهنگی و شهروندی ، تخریب آثار فرهنگی و باستانی و به یغما بردن این آثار از موزه ها و فروش آن در بازارهای جهانی .

و تبلیغ جهان وطنی ارتجاعی اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر اختلافات طبقه حاکم با توده مردم در داخل و از این طریق کمک به ارتجاع جهانی برای حفظ ستم و استثمار طبقاتی و چپاول توده های زحمتکش است .

چگون میتوان و باید در شتاب و هدف گرفتن رژیم در براندازی در تمامیت و کلیت اش آن را نشانه گرفت: :

— : حمایت از جنبش دانشجویی و مبارزات آنها علیه رژیم که در شکل ارباب دانشجویان و پادگانی کردن دانشگاه ، محرم کردن دانشجویان و ستاره دار کردن آنها از تحصیل و به ویژه دانشجویان بهائی و دانشجویان مخالف رژیم، صورت میگیرد . .

—: دفاع و حمایت از مبارزات روزمره سیاسی و مطالباتی کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و قوم ها ، بیکاران و گرسنگان....

—: به مبارزات همه نیروهایی که کلیت رژیم را هدف قرار داده اند و خواهان جامعه ای لائیک، دموکراتیک و توأم با کرامت انسانی اند با تمامی نیروی یاری باید یاری رساند ..

— همه ی برنامه هایی که هدفشان نیل به آزادی و دموکراسی در چارچوب رژیم اسلامی است و همین طور گفتمان های ارتجاعی و اسارت بار سیاسی را باید افشا کرد ..

— : افشای همه نیروهای ارتجاعی و سرمایه داری که قصد دارند با طرح شعار « همه باهم » یا « آشتی ملی » و بکمک امپریالیسم بین المللی، رهبری جنبش های اجتماعی و مردمی را بدست بگیرند و انقلاب آتی را به بیراهه بکشاند را جزئی از وظائف دائمی خود قرار دهیم. آوازه گران شعار « همه باهم » و شعار « آشتی ملی » جز حفظ

مناسبات طبقاتی موجود، تغییر مهره های راس هرم رژیم فاشیستی اسلام و یا اشکالی از آن و در نهایت نجات آند..

—در هیچ کدام از ائتلاف هائی که شعار آن براندازی کلیت رژیم اسلامی را در رأس و محور آن نیست ، باید بخشی از کوشش های مزبوهانه رژیم و وابستگان آن تلقی کرد و از هر نوع همکاری و مشارکت با آنها باید خود داری جست .

سال ۵۷ نشان داد که بدون شناخت از آینده و برنامه های قدرت های امپریالیستی برای آوردن دست نشانندگان خود در ایران بر قدرت از عقب ماندگی ذهنی توده ها استفاده کرده،

عنصر جنایتکاری را بر قدرت گماردند که بنیاد رژیمی تروریستی و ضد بشر و ضد ایرانی را شکل دادند. این تجربه تلخ را در حال حاضر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در حال آزمایش و لمس آند. آمریکا با آوردن مزدوران اسلامیت خود در ایران بر مصدر قدرت اکنون آن را به تونس، لیبی، مصر انتقال داده است. حکومت های دیکتاتوری فردی را از میان برداشتند.

و حال رژیم های اسلامی که جنایات را سازمان یافته و کلکتیف علیه مردمان این کشورها به اجرا میگذارند را بر مصدر قدرت نشاندهند. در این ۳ کشور مخالفان سکولار و لائیک را باندهای حاکم اسلامی شکنجه و ترور میکنند. با احتمال فراوان آمریکا و متحدینش خواهند کوشید دیگر بار رژیم اسلامی دیگری با چهره بزرگ کرده نئی که عوامل دست نشانده این قدرت اند بر مردم ما تحمیل کنند ، تراژدی ۵۷ نباید تکرار شود. از هم اکنون مردم ایران باید حکومتی که در آینده بر قدرت سیاسی در ایران خواهد رسید را بشناسند و تصویری از آن برای خود داشته باشند. نیروهای اسلامی، و نیروهای ایدئولوژیکی از هر قماششان مانع ثبات سیاسی و امنیت ایران در جهان خواهند شد. اسلام در هر شکلش حامی ترور و تروریسم، استبداد، خفقان، زن ستیزی و کودک آزاری است. لذا سیاست خارجی آمریکا و متحد ینش که در بستر سازی تروریسم اسلامی در ۳۴ سال گذشته بعد از تجربه ایران ، فعال بوده است را نباید دست کم گرفت..

در مقابل رژیم اسد تروریست های القاعده و بن الادن در حال جنگند و نه جریانات مترقی و پیشرفته از اینرو تغییر در سوریه از یک رژیم دیکتاتور به یک رژیم فاشیستی القاعده مثل افغانستان در دوران طالبان برای مردم سوریه هرگز پایامی خوش ای با خود نخواهد داشت ..

— به عنوان نیروهای ملی و میهنی مدافع منافع زحمتکشان ایران، حزب سوسیال دمکرات ایران ، وظیفه خود میداند به خود سازمانیابی تشکل های مستقل کارگری در محیط کار و زیست به هر طریقی که بتوانیم کمک کنیم. در شرایط کنونی که جنبش های اجتماعی در وضعیت تدافعی قرار دارند، برای تدارک نبرد نهایی با رژیم حاکم، از همه ی اشکال مبارزه، از نافرمانی مدنی، اعتصاب و تظاهرات خیابانی تا مبارزه تدافعی و هر نوع ابتکار خلاقه ای حمایت می کنیم.

پیش بسوی براندازی کلیت و تمامیت رژیم جنایتکار اسلامی

حزب سوسیال دمکرات ایران ۱۰ ۰۲ ۲۰۱۳